



با مجید انصاری، عضو مجمع روحانیون مبارز

۲۲ بهمن باید نماد انسجام ملی باشد

یکی از صدمه‌هایی که به نظام اسلامی در ماه‌های اخیر وارد شد، هجمه‌ای بود که به برخی محورهای اساسی انقلاب صورت گرفت. تأکیدی که رهبری انقلاب به بصیرت خواص داشته و دارند، از آن جهت است که خواص نقش راهبری افکار عمومی را به عهده دارند و احکام و اعمالشان می‌تواند تأثیرگذار باشد، اگر این نقش انفعالی باشد، باعث تردید در مردم خواهد شد. در این میان افکار و سیره امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار نظام اسلامی می‌تواند معیار خوبی برای افراد و جریان‌های سیاسی باشد، اما در این مسیر باید هوشیار باشیم از آن جهت که اندیشه‌های امام را تفسیر به رای نکرده و رهنمودهای ایشان را در جهت منافع شخصی یا حزبی خود هزینه نکنیم. گفتگوی ما را با مجید انصاری عضو مجمع روحانیون مبارز بخوانید.

گفتگو با: عباس محمدنژاد

چرا امام خمینی (ره) روی عنصر ولی فقیه تا این اندازه تأکید داشتند؟
ولایت فقیه یک نظریه عجیب و غریب نیست، ولی فقیه رئیس حکومت است. بالاخره جامعه انسانی نیاز به نظام حکومت دارد و در هر حکومتی ما هر نوعی، یک نفر در رأس قرار دارد. در نظام اسلامی در زمان پیامبران و امامان معصوم، این فرد از جانب خدا تعیین می‌شود و آنها حق سرپرستی و حکومت بر مردم را از جانب خدا دریافت می‌کنند. اما در زمان غیبت، آن کسی که شرعا حق دارد بر مردم حکومت کند باید یک سلسله شرایطی داشته باشد که به آنها شرایط منصب می‌گویند. الان در دیگر کشورها نیز، هر منصبی شرایطی دارد و این طور نیست که مثلا در آمریکا هر کسی بتواند رئیس جمهور شود و بالاخره آنها هم شرایطی دارند.

شرایط حاکم اسلامی را فقه تعیین کرده است، ولی این فرد را باید مردم انتخاب کنند و یک فقیه واجد شرایط به وسیله فقهی ره زور، حکومت را بر مردم تحمیل نمی‌کند. نه تنها ولی فقیه چنین حقی ندارد، حتی امام معصوم هم حق ندارد و سیره امام علی (ع) این را نشان می‌دهد.

بعد از پیامبر عظیم‌الشان اسلام، قطعا امام علی (ع) ولی تعیین شده از جانب خداوند بود ولی در عین حال وقتی که جامعه زیر بار این ولایت الهی نرفت، حضرت دست به شمشیر نبرد تا خودش را بر جامعه تحمیل کند. در حالی که به نظر من حضرت علی (ع) توانایی این که خودش را با قدرت شمشیر بر مردم مستقر کند، داشت.

به خاطر همین مسأله، جمهوری اسلامی ایران هم از ابتدا شرایطی را ایجاد کرد که همه مناصب به نوعی انتخابی باشند؟

مردم در انتخاب عالی‌ترین مسؤل نظام آزادند اما آن مسؤل کشور باید یک شرایط قانونی داشته باشد. حال این انتخاب می‌تواند به صورت مستقیم با رای مردم و یا به صورت غیرمستقیم باشد. در قانون اساسی، انتخاب ولی فقیه به خبرگان محول شده است ولی این خبرگان را باید مردم انتخاب کنند و در واقع ولی فقیه با واسطه از جانب مردم انتخاب می‌شود. البته می‌شود در قانون اساسی، بدون واسطه هم پیش‌بینی شود، مثلا در قانون اساسی پیش‌بینی کنند که جمعی از خبرگان فن، افراد واجد شرایط ولایت را مشخص کنند و مردم، به صورت مستقیم از بین آنها یک نفر را انتخاب کنند. لذا در قانون اساسی ما و نظام مورد نظر امام انتخاب ولی فقیه الزاما باید از جانب مردم انجام شود. البته من در اینجا اشکالات اساسی به روند انتخابات خبرگان دارم و معتقدم که تا حدود زیادی، انتخابات خبرگان از چارچوب‌های انتخابات آزاد خارج شده است و کسانی که در صدد دفاع از ولایت فقیه هستند باید این نقیصه را برطرف کنند. حالا من در صدد نقد روند انتخابات خبرگان نیستم اما اجمالا عرض می‌کنم که در دنیای امروز ما نمی‌توانیم مسائل حقوقی اساسی را که در قانون اساسی خودمان هم به رسمیت شناخته شده اند نادیده بگیریم و از کنار آنها بگذریم. ما نباید اجازه



پروژه‌های من کامل‌کننده است
www.jamejamonline.ir

رسول‌الله به ما اجازه نداده است، امیرالمومنین به ما اجازه نداده است که ما چیزی را به مردم تحمیل کنیم که آنها نمی‌خواهند. اینها عین جمله‌های امام است و ایشان با صراحت فرمودند که اسلام، پیامبر و امیرالمومنین به ما اجازه نداده‌اند که ما چیزی را به مردم تحمیل کنیم که آنها نمی‌خواهند. بنابراین انتخاب مردم در مشروعیت نظام مطرح است. حال سؤالی را در اینجا مطرح می‌کنند و آن این است که اگر صرف داشتن شرایط آسمانی ولایت، کافی باشد، این سخن امیرالمومنین را چگونه توجیه می‌کنید که می‌فرمایند: اگر حضور گسترده مردم نبود و حجت بر من تمام نمی‌شد، منی بر این که جامعه مرا می‌خواهد، من عنان شتر خلافت را بر پشت آن می‌انداختم و عطایش را به لقایش می‌بخشیدم. آیا امیرالمومنین حق گفتن چنین جمله‌ای را داشت؟

این نشان می‌دهد که حتی امیرالمومنین که در روز عید غدیر مستقیما از سوی خداوند منصوب به ولایت شد می‌فرماید که اگر مردم جمع نشده بودند این امر را نمی‌پذیرفت، آیا این مسأله به این معنی است که حضرت امیرالعبادالله از زیر بار تکلیف الهی شانه‌خالی می‌کردند؟ مسلما چنین نیست و امام خمینی هم به استناد همین سخن است که می‌فرماید حق نداریم چیزی را به مردم تحمیل کنیم.

اتفاقا این مسأله، بسیار حرف عقلایی و قابل پذیرش در دنیای امروز است ولی متأسفانه، برخی ولایت فقیه را در دنیای امروز یک مقام تحمیلی فراقانونی معرفی می‌کنند در حالی که واقعا ولایت فقیه آن طور که امام تعریف می‌کردند یک نظام مترقی است. ایشان در تعریفشان تأکید می‌کنند که هر فردی نمی‌تواند ریاست جامعه را بر عهده بگیرد مگر این که شرایطی را داشته باشد که یکی از آنها قناعت است. اما برخی متأسفانه فقه را در مسائلی چون غسل و تیمم و طهارت و نجاست خلاصه کرده‌اند. امام می‌فرماید فقه، دستور زیستن از گهواره تا گور است. در نظام اسلامی، اطلاعات حاکم جامعه از قوانین باید در حد اجتهاد باشد یعنی حاکم جامعه باید یک حقوقدان برجسته اسلامی باشد. حاکم جامعه همچنین باید به لحاظ سلامت نفس یک انسان عادل باشد، عادل کسی است که دامان او به هیچ وجه به گناهان سنگین آلوده نشده باشد و بر گناهان کوچک هم اصرار نداشته باشد. شرط دیگر حاکم اسلامی، مدیر و مدبر بودن است

و شرط بعدی، مخالفت با هوای نفس و گرایش‌های شیطانی است. وضع چنین شروطی برای حاکم یک حکومت، بسیار روشنگرانه است و در همه جا هم پذیرفته است که در نظام اسلامی به هر کسی که از راه برسد و با هیاهوی تبلیغاتی بتواند خودش را تحمیل کند، اجازه ولایت داده نمی‌شود. امام خمینی در جایی می‌فرماید که اختیارات ولی فقیه در اداره جامعه، همان اختیارات پیامبر و امیرالمومنین است، اگر کسی تصور کند که اختیارات امیرالمومنین در اداره جامعه کمتر از پیغمبر است و یا کسی تصور کند اختیارات ولی فقیه در اداره جامعه، کمتر از اختیارات امیرالمومنین است، ولایت و نبوت را نفهمیده است.

امام خمینی در همین جامی می‌فرماید البته این اختیارات در دست کسی است که اگر یک استبداد بورژوازی و یک گناه مرتکب شود خود به خود از مقام ولایت، معزول است. یعنی عزل او قهری است و قبل از این که خبرگان و دیگران او را عزل کنند خودبه‌خود عزل می‌شود. به تعبیر دیگر اگر حاکم اسلامی، خودش می‌داند که اهل گناه کبیره است، حتی اگر مردم خبر نداشته باشند، حق حکومت ندارد. در دنیای امروز اگر بگوییم که در اسلام برای حاکم چنین شرط‌هایی گذاشته شده است و این حاکم با چنین شرایطی باید از سوی مردم هم برگزیده شود واقعا چنین مسأله‌ای باعث افتخار ماست و به نظر من اصل ولایت فقیه واقعا یک اصل مترقی است. در مخلص کلام، ولایت فقیه یک اصل قابل دفاع، عقلایی و مترقی است و در همه جامی توان با سربلندی از آن دفاع کرد. اما این که بگوییم ولی فقیه یک مقام فراقانونی و یک مقام آسمانی است که اگر کسی به او اعتراض کرد از دین خدا خارج شده است، چنین مسائلی به طور قطع نمی‌تواند صحیح باشد.

چرا برخی افراد در مسائل اخیر به سمت ضربه زدن به ولایت فقیه رفتند و تلاش کردند جایگاه ولی فقیه را در نظام اسلامی زیر سؤال ببرند؟

این مسأله دو علت دارد و در واقع این حرکت از دو منشا سرچشمه می‌گیرد. یک حرکت از سوی مخالفان با نظام و انقلاب و امام است و از زمان حضرت امام این مسأله کم و بیش وجود داشت و هنوز هم ممکن است در بعضی جاها شاهد چنین حرکتی باشیم.

ولی همه این اظهارات را به پای ضدیت با انقلاب و دین نمی‌شود گذاشت، چرا که بعضی از این شعارها و مسائل به خاطر دفاع بداز ولایت فقیه و ارائه چهره نادرست از ولی فقیه است. ببینید، ولی فقیه از اصل اسلام که

مهم‌تر نیست؛ حضرت علی (ع) می‌فرماید اگر اسلام را بد معرفی کنید همچون پوستین وارونه می‌شود. شما اگر پوستین را درست ببینید مظهر زیبایی و وقار خواهد بود و به شما گرما می‌دهد، اما اگر این پوستین را وارونه ببینید نه تنها گرما ندارد بلکه چهره کربهی به شما می‌دهد که موجب ترس و وحشت بینندگان می‌شود.

امام می‌گویند اگر ولی فقیه در کار نباشد، طاغوت است. این یک نکته مهمی است و به نظر منظور امام این است که اگر ما این عنصر را از دست بدهیم، دویاره به ۳۰ سال گذشته برمی‌گردیم.

این سخن کاملا درستی است و من از آن دفاع می‌کنم. من برای روشن شدن موضوع یک مثالی بزنم. الان اگر یک پزشکی بخواهد مطب بزند باید طبق قانون شرایطی داشته باشد. حال اگر کسی که درس نخوانده و یا تعهد پزشکی نداشته باشد بخواهد با جعل مدرک مطب بزند در واقع این منصب را غصب کرده و در واقع یک پزشک طاغوتی است.

برای همین است که در جمهوری اسلامی ایران، مجلس خبرگان تشکیل شده است.

برپایه مثالی که من در بالا عرض کردم ما برای هر منصب دیگری از جمله قاضی، نماینده مجلس و رئیس جمهور و رهبری شرایطی داریم. این که امام می‌گوید اگر ولی فقیه نباشد طاغوت است به این معنی است که اگر سرپرستی جامعه در اختیار فردی با شرایطی غیر از شرایطی که در شرع مشخص شده قرار گیرد طاغوت است. دلیل آن هم این است که با ولایت الهی است و کسی حاکم است که شرایط را دارد و مردم هم در انتخابش کرده‌اند یا ولایت طاغوتی است. البته ممکن است که در جامعه‌ای فقیه واجد شرایطی وجود نداشته باشد که در آنجا هم اسلام جامعه را رها کرده است و قوانین خودش را دارد. به همین دلیل است که من می‌گویم ولایت فقیه یک مقام آسمانی نیست. این که فرمودید چرا عده‌ای سخنان نامربوطی راجع به ولایت فقیه می‌زنند و حتی شعارهای نامربوطی مانند من خیلی صریح و شفاف عرض می‌کنم که متأسفانه بعضی از افراد و جریان‌ها به جای آن که بیایند و صادقانه از ولایت فقیه دفاع کنند، از ولی فقیه سیری ساخته‌اند تا استفاده از آن از منافع حزبی، گروهی و شخصی خودشان دفاع کنند. فرض کنید که یک فردی در جایی نماینده ولی فقیه است و مرتکب یک اشتباهی می‌شود و یک عده به او اعتراض می‌کنند. حال این فرد به جای این که اشتباه خودش را بپذیرد و وقتی می‌بیند که مردم قبولش ندارند، می‌آید و تمام متقنان خود را به ضدیت با ولایت فقیه متهم می‌کند و می‌گوید چون که آقا به من حاکم داده پس هر کس که به من معترض است پس با ولایت فقیه مشکل دارد بنابراین چنین افرادی نسبت به اصل ولایت فقیه بدبین می‌شوند. بنده در همین جا صراحتا اعلام می‌کنم که سپاه و بسیج از مسیری که حضرت امام طراحی کرده بودند خارج شده‌اند. در عین حال به سپاه افتخار می‌کنم چون خودم یک سپاهی بودم. به بسیجی که امام می‌خواستند افتخار می‌کنم و معتقدم که آن بسیج باید در جامعه باشد. معیاران برای انحراف افراد، گروه‌ها یا ارگان‌هایی مثل سپاه و بسیج چیست؟

ببینید ممکن است حتی فردی اشتباه کند و حتی یک انتقاد ناصحیحی مثلا به شورای نگهبان بکند. عرض بنده این است که آیا اگر کسی در جامعه به یک نهاد یا ارگان انتقاد کرد، باید او را ضد ولایت فقیه بنامیم؟ تازه نمی‌گویند ضد ولی فقیه بلکه می‌گویند ضد ولایت فقیه. در حالی که ما و دوستان ما از جمله همین مجمع روحانیون مبارز بارها اعلام کرده‌اند که هم اصل ولایت فقیه را قبول دارند و هم شخص ولی فقیه فعلی را. خوشبختانه ولی فقیه کنونی یعنی آیت‌الله خامنه‌ای، در یک چرخه رقابتی شکننده انتخاب نشده‌اند بلکه در خبرگان همه رای دادند و همه گروه‌ها حمایت کردند. در همین انتخابات ریاست جمهوری، خواسته‌ها و شعارهای مردمی هیچ ارتباطی با ولی فقیه نداشت، مردم به شخص آقای احمدی نژاد و روند کار صدا و سیما و برخی مسائل دیگر انتقادات داشتند. باید آسیب‌شناسی شود که چرا چنین اعتراضات قانونی یا زید آقایان غیرقانونی، از نقطه‌ای تبدیل به شعارهای ساختار شکن شد.

ادامه در صفحه ۱۲

بهترین تورها را از ما بخواهید

مالزی و سنگاپور

چین

هند

تایلند

سوریه

آخر از همه با ما تماس بگیرید

سواحل خلیج فارس

بلیط داخلی و خارجی با بهترین قیمت

قصر داریوش ASRE DARIUSH

لیته

تجوران DACHAT TOURAN

۸۲۴۵۶ **۸۸۹۹۵۲۴۲** **۸۳۴۰**

یوسف آباد، پایین تر از خیابان ۶۴ و ۶۳

یوسف آباد، پایین تر از پهب بنزین

یوسف آباد، بین خیابان ۶۴ و ۶۳

امروز آژانس ها و هتل ها را در صفحات ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۳ و ۱۵ ببینید

طوفان قیمت تلویزیون های LCD

VISION X.WITON

تومان

۸۴۸,۰۰۰

سری ونوس

سری	مدل	حایل	قیمت (تومان)
لوتوس	LC-32IMF7	32"	۳۹۸,۰۰۰
ارکید	LC-32IMM7	32"	۴۷۵,۰۰۰
ونوس	LC-32IMG5/G7	32"	۴۴۹,۰۰۰
	LF-40IMH8	40"	۸۴۸,۰۰۰
	LF-40IMB8E with USB	40"	۸۹۸,۰۰۰
انیکس	LF-46IMB8E with USB	46"	۱,۳۴۹,۰۰۰

۲۰٪ کمترین قیمت تا کنونی باقی

مدت محدود

فروش اقسالی مادیران | تلفن: ۰۲۱-۸۸۵۶۳۳۰۳ و ۰۲۱-۸۸۵۶۳۳۰۲

فروش: ۸۴۹۹۹۸ | پشتیبانی و خدمات: ۸۸۶۰۵۴۳ | رضایت مشتری: ۸۴۴۴۴۴۳

www.maadiran.com | www.maadiran.com

نشان اطمینان

بهترین تورها را از ما بخواهید

مالزی و سنگاپور

چین

هند

تایلند

سوریه

آخر از همه با ما تماس بگیرید

سواحل خلیج فارس

بلیط داخلی و خارجی با بهترین قیمت

قصر داریوش ASRE DARIUSH

لیته

تجوران DACHAT TOURAN

۸۲۴۵۶ **۸۸۹۹۵۲۴۲** **۸۳۴۰**

یوسف آباد، پایین تر از خیابان ۶۴ و ۶۳

یوسف آباد، پایین تر از پهب بنزین

یوسف آباد، بین خیابان ۶۴ و ۶۳

امروز آژانس ها و هتل ها را در صفحات ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۳ و ۱۵ ببینید